



نشر جمال
Jamal Publication

من حضرت زهرا علیها السلام را دوست دارم

● نویسنده: غلامرضا حیدری ابهری

● ویراستار: افسانه گرمارودی

● تصویرگر: کوثر رضایی

● رنگ آمیزی: مهناز رضایی

● ناشر: جمال

● چاپ: خاتم الانبیا

● صحافی: معاصر

● نوبت چاپ: چهارم، ۱۳۹۸

● شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

● قیمت

● مدیر فنی چاپ: محمدعلی فرجادی

سرشناسه: حیدری ابهری، غلامرضا، ۱۳۴۸- / عنوان و نام پدیدآور: من حضرت زهرا علیها السلام را دوست دارم / نویسنده: غلامرضا حیدری ابهری؛ تصویرگر: کوثر رضایی؛ گرافیک: زینب نصرآبادی / مشخصات نشر: قم: نشر جمال، ۱۳۹۳ / مشخصات ظاهری: ۲۴ ص.؛ مصور (رنگی). / فروست: من اهل بیت را دوست دارم؛ ۳ / شابک: ۳-۲۵۳-۲۰۲-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیپا / یادداشت: گروه سنی: ب، ج. / موضوع: فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. / موضوع: داستان های مذهبی / شناسه افزوده: رضایی، کوثر، تصویرگر / شناسه افزوده: نصرآبادی، زینب، ۱۳۶۶-، گرافیک: رده بندی دیویی: ۱۳۹۳ / ۹۵۱۳ ح ۲۹۷ / ۹۷۳ / ۲۹۷ / شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۵۰۶۰ /



هر کتاب



من حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را دوست دارم.
فاطمه علیها السلام، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام
بود. خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که به حضرت
محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورد. او مال و ثروت زیادی داشت
که برای گسترش دین اسلام، همه دارایی‌اش را در
اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت.

فراکتاب





حضرت محمد ﷺ، علاقه‌ی زیادی به دخترش فاطمه ﷺ داشت. وقتی فاطمه ﷺ را می‌دید، به احترام او از جا بلند می‌شد و او را می‌بوسید. پیامبر می‌فرمود: «فاطمه، پاره‌ی تن من است. هرکس او را خوشحال کند مرا خوشحال کرده است و هرکس او را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است.» پیامبر ﷺ هنگام مسافرت رفتن، آخراز همه با فاطمه ﷺ خداحافظی می‌کرد و هنگام بازگشت، اول به دیدار فاطمه ﷺ می‌رفت.



فاطمه علیها السلام نیز پدرش را خیلی دوست داشت. در آغاز دعوت به دین اسلام، کافران پیامبر صلی الله علیه و آله را خیلی اذیت می کردند، فاطمه علیها السلام از رفتار بد آن ها با پدرش خیلی غصه می خورد. گاهی که دشمنان اسلام خاکروبه و زباله بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله می ریختند، فاطمه علیها السلام از ناراحتی گریه می کرد و با آب، سر پیامبر صلی الله علیه و آله را می شست. پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام می فرمود: «دخترم! گریه نکن. خدا پدرتو را بر دشمنان پیروز خواهد کرد.»









حضرت فاطمه علیها السلام پنج ساله بود که مادرش، خدیجه علیها السلام، از دنیا رفت. فاطمه علیها السلام خیلی ناراحت شد. او برای خدیجه علیها السلام گریه می‌کرد و به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گفت: «مادرم کجاست؟» جبرئیل علیه السلام برای دلداری دادن به فاطمه علیها السلام، از آسمان به زمین آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «به فاطمه بگو که خدا برای مادرش، خدیجه، قصری بسیار زیبا در بهشت ساخته است.» فاطمه علیها السلام با دلداری‌های پیامبر، آرام شد.



حضرت علی (ع) دو سال بعد از اینکه از مکه به مدینه هجرت کردند، از فاطمه (ع) خواستگاری کرد. فاطمه (ع) هم با اجازه‌ی پدر، علی (ع) را به همسری خود قبول کرد. قبل از علی (ع) افراد دیگری هم به خواستگاری فاطمه (ع) آمده بودند؛ اما فاطمه (ع) آن‌ها را قبول نکرد. حضرت محمد (ص)، فاطمه را به عقد علی درآورد و چند ماه بعد، عروسی ساده‌ای برای آن‌ها برگزار کرد و فاطمه را به خانه‌ی علی (ع) فرستاد.

حضرت محمد (ص) به آن‌ها گفت که باید کارها را بین خود تقسیم کنند. او کارهای بیرون از خانه، مثل خریدن میوه و گندم را به عهده‌ی علی (ع) گذاشت و کارهای داخل خانه، مثل جاروکردن و پخت و پز را به فاطمه (ع) سپرد.





با آنکه حضرت محمد ﷺ فرمانروای مسلمانان بود، اما دخترش فاطمه ﷺ، زندگی ساده‌ای داشت و مانند مسلمانانِ دیگر زندگی می‌کرد. او در خانه‌ای خشتی و کوچک و با وسایلی بسیار کم و ساده زندگی می‌کرد. فاطمه ﷺ مثل دیگران غذا می‌خورد و لباس می‌پوشید و حتی ساده‌تر از مردم بود. اگر کسی به مدینه می‌آمد و خانه‌ی فاطمه ﷺ را می‌دید، باور نمی‌کرد که آن خانه، خانه‌ی دختر پیامبر ﷺ است.



یک سال بعد از ازدواج فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام،
اولین فرزند آنان به دنیا آمد. فرزند آن‌ها یک پسر
زیبا بود. آن‌ها از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند تا فرزندشان را
نام‌گذاری کند. پیامبر صلی الله علیه و آله آن پسر را «حسن» علیه السلام نامید.
یک سال پس از تولد حسن علیه السلام، خدا پسر دیگری به
فاطمه و علی علیهما السلام بخشید. پیامبر صلی الله علیه و آله، نام پسر دوم را
«حسین» علیه السلام گذاشت.









فاطمه علیها السلام، نزد خدا مقام بسیار بالایی داشت.
گاهی که مشغول عبادت بود، فرشتگان می آمدند
و به او سلام می کردند. اگر فرزند فاطمه علیها السلام گریه
می کرد، فرشته ها گهواره ی او را تکان می دادند.

فاطمه علیها السلام به مردم کمک می کرد و فقط به فکر خود و خانواده اش نبود؛ مثلاً به فقیران شهر، غذا و لباس می داد، گاهی غذا و لباس خودش را به آنان می بخشید. او وقت دعا هم به فکر دیگران بود. حضرت فاطمه علیها السلام در یک شب جمعه، مشغول عبادت بود و تا صبح همه را با نام دعا می کرد. صبح که شد حسن علیه السلام از مادرش پرسید: «مادر جان! چرا دیشب برای همه دعا کردی؛ ولی برای خودت دعا نکردی؟» حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد: «پسرم! اول همسایه، بعد اهل خانه.»









پیامبر ﷺ می فرمود: «فاطمه ؑ، سرور زنان بهشت است.»

پیامبر ﷺ قبل از اینکه از دنیا برود، بارها علی ؑ را به عنوان جانشین خود معرفی کرده؛ اما عده‌ای از مردم، علی ؑ را کنار گذاشتند و «ابوبکر» را رئیس حکومت کردند. آن‌ها حتی مزرعه‌ی بزرگی را که پیامبر ﷺ به فاطمه ؑ بخشیده بود، گرفتند. این مزرعه «فدک» نام داشت. فاطمه ؑ برای دفاع از حق علی، بارها و بارها با مردم مدینه صحبت کرد تا حرف‌های پیامبر ﷺ را به آنان یادآوری کند؛ اما نتیجه‌ای نداشت. دشمنان علی ؑ، برای وادار کردن او به پذیرش حکومت ابوبکر، به خانه‌اش حمله کردند. در این حمله، حضرت فاطمه ؑ زخمی شد و به شدت آسیب دید و چند ماه بعد، بر اثر این حمله، به شهادت رسید.





حضرت فاطمه علیها السلام، از علی علیه السلام خواست او را شبانه و مخفیانه به خاک بسپارد. علی علیه السلام نیز به این وصیت فاطمه علیها السلام عمل کرد و او را شبانه و پنهانی به خاک سپرد. به همین خاطر هنوز هم کسی نمی‌داند قبر حضرت فاطمه علیها السلام کجاست؛ زیرا او نمی‌خواست دشمنان علی علیه السلام سر قبرش بیابند. فاطمه علیها السلام با این سفارش می‌خواست همه بدانند که از دشمنان علی علیه السلام به شدت ناراحت و خشمگین بوده است.



دانشتنی‌هایی درباره‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)

نام: فاطمه

لقب: بتول، محدّثه، طاهره، صدّیقه، زهرا

کنیه: امّ ابیها و امّ الائمه

زمان تولّد: ۲۰ جمادی الثانی سال پنجم بعثت

مکان تولّد: شهر مکه

زمان شهادت: ۱۳ جمادی‌الاولی یا ۳ جمادی الثانی سال ۱۱ هجری قمری

● از سخنان ایشان ●

۱. از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: خواندن قرآن و نگاه کردن به

چهره‌ی پیامبر ﷺ و انفاق در راه خدا.

۲. خدا نماز را واجب کرد تا شما از کبر و غرور دور شوید.

۳. پاداش خوشرویی با مؤمن، بهشت است.